



بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا از همه‌ی برادران و در رأس از جناب آقای فیروزآبادی که در ستاد فرماندهی کل قوا مشغول خدمات با ارزش خود هستند، به خاطر تلاشها و اخلاص و صمیمیتشان تشکر می‌کنم.

امروز، عمدتاً به دو منظور برنامه‌ی بازدید از ستاد فرماندهی کل قوا و پرسنل این ستاد را در محل کارشان قرار دادیم: اولاً، به خاطر همین تشکر که من روبه‌رو از زحمتهای شما تشکر کنم. ثانیاً، مأموریت اساسی ستاد فرماندهی کل قوا به کل نیروهای مسلح را تفهیم نمایم. ما می‌خواهیم همه‌ی آحاد و سازمانهای نیروهای مسلح، بخصوص و به طور عمده سازمان ارتش و سپاه، مأموریت‌های این ستاد را به درستی درک کنند و خودشان را با آن چیزی که ما به عنوان خط مشی این ستاد ترسیم کرده‌ایم، تطبیق بدهند.

ما در کشورمان دو سازمان عمده‌ی رزمی به نام ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داریم. شاید در بعضی از کشورهای دیگر هم چیزی شبیه این باشد. چنین نیست که شبیه وضع کنونی ما در هیچ جای دنیا نباشد؛ بلکه چیزهایی تقریباً همانند آنچه که در کشور ما هست، در کشورهای دیگر وجود دارد. به هر حال، ما خودمان را مشاهده می‌کنیم و برای خود برنامه‌ریزی می‌کنیم و کاری به دیگران نداریم.

این دو سازمان، هر کدام مأموریتی غیر از مأموریت دیگری دارند. پس، از این جا می‌توان فهمید که وجود هر دو سازمان ضروری است؛ زیرا اگر نباشند، مأموریتشان بر زمین خواهد ماند و آن سازمان دیگر هم نمی‌تواند مأموریت این سازمان را انجام بدهد. این مأموریتها چیست؟ من به طور اجمال و در خطوط کلی، آن را ذکر کرده‌ام و در شکل ریز و تفصیلی، همین جا در ستاد فرماندهی کل قوا مورد مباحثه‌ی طولانی قرار گرفته است و تدوین شده‌ی آن به تصویب خواهد رسید و ابلاغ خواهد شد.

وقتی ما دو سازمان عمده‌ی رزمی داریم، ناچار مرکزی برای هماهنگی و رفع تعارضات و حفظ حقوق هریک از آنها با لحاظ حقوق دیگری و چیزهایی از این قبیل لازم داریم. همچنان که هر سازمانی برای هماهنگی بخش‌های مختلف خود مرکزی دارد؛ ارتش، ستاد مشترک و سپاه، ستادکل یا ستاد مرکزی را داراست. مرکزی که در آن، بین دو سازمان اصلی رزمی نظامی جمهوری اسلامی هماهنگی ایجاد می‌شود، همین ستاد فرماندهی کل قواست. این، یکی از مقاصد عمده‌ی این ستاد است که ابلاغ شده و بر اساس آن، این ستاد کارهای زیادی انجام داده و می‌دهد. هدف دوم، هدایت عمومی نیروهای مسلح است. این، کاری است که در گذشته هم هرگز در ستادها انجام نمی‌گرفته و در جای دیگری مثل اداره‌ی سوم و پنجم انجام می‌گرفته است که هر کدام مأموریت‌هایی دارند که تا حدی می‌تواند متناسب با این هدایت عمومی باشد. روند نیروهای مسلح، هیچ کدام این کار را نمی‌کردند؛ بلکه مرکز بالاتری - که حالا نمی‌خواهم به خصوصیات و نام‌هایش تصریح کنم - این کارها را انجام می‌داد.

ما کشوری با خصوصیات بسیار برجسته داریم. این خصوصیات عبارتند از: کشوری برانگیخته، مردمی شجاع، سرزمینی آماده برای عمران و آبادی و منافع و برکات، موقعیتی مؤثر در ثبات یک منطقه‌ی عظیم - بلکه به یک معنا در ثبات کل عالم - و نظامی که مبتنی بر یک تفکر مدرن مذهبی و کاملاً نو می‌باشد.

تفکری که ما امروز به دنیا عرضه می‌کنیم، بسیار نو و مبتنی بر مذهب است. دنیا و تحلیلهای و نگرش‌های مادی عادت کرده بودند که مدرنیسم را از تفکرات الهی و معنوی جدا کنند و اینها را نقطه‌ی مقابل هم بدانند. هر چیز مذهبی و معنوی - چه اسلامی و چه غیر اسلامی - متعلق به گذشته و ارتجاعي به حساب می‌آید. هر چیزی را که می‌گفتند نو و مدرن است، معنایش این بود که حتماً ضد مذهبی و غیرمعنوی است. این، برداشت غلطی از مذاهب بود.

امروز بعکس، عدالت اجتماعی‌پی که ما مطرح می‌کنیم و حقوق بشر به سبکی که اسلام مطرح می‌کند، به مراتب راقیتر از آنچه که دنیای دموکراسی مطرح می‌کند، است. عدالت اجتماعی ما، از دنیای به اصطلاح سوسیالیسم،



پیشرفته‌تر است. حقوق بشر و آزادیهای فردی ما، از آنچه که در دنیای به اصطلاح دموکراسی مطرح می‌شود، پیشرفته‌تر است و این را دنیا هم قبول دارد. به این تبلیغات و رادیوها و مجلاتی که پول می‌گیرند و چیزی می‌گویند و می‌نویسند و دایما واژه‌ی ارتجاع را تکرار می‌کنند، نگاه نکنید؛ اینها قابل ذکر و توجه نیستند. مرتجعترین نظامهای دنیا، نظامهایی هستند که حتی یک پارلمان صوری هم ندارند تا نمایندگان مردم در آنجا دور هم جمع بشوند و بعضیها نظر بدهند؛ چون نظامشان پوسیده است و طاقت این کار را ندارند و چنین کاری را بر نمی‌تابند. همین نظامهای بدون پارلمان و مرتجع، گاهی جمهوری اسلامی را مرتجع و نظام ما را نظام ملامهای مرتجع می‌نامند!! اصلاً آشکار است که این صحبتها، یک شکل دیگته شده می‌باشد و فرمی است که همهی دنیا بر اساس یک تفکر و پایه‌ی تبلیغاتی، سیاستی را تدوین کرده‌اند تا به جمهوری اسلامی تهمت و افسوسگرایی و مرتجع بودن بزنند. بسیار خوب، بگویند؛ محل بحث نیست. ما واقعیات را نگاه می‌کنیم. ما چیزی را که خود آنها به آن اعتقاد دارند و به آن رسیده‌اند، مورد نظر قرار می‌دهیم. در خلال بعضی از اظهارنظرها، کاملاً آشکار می‌شود که متفکران امروز و سیاستمداران برجسته‌ی دنیا، نسبت به جمهوری اسلامی چه نظری دارند؟ نظرها، نظرهای کاملاً مثبتی است.

چنین نظامی با چنین کشور و مردمی و با وجود احتمالاتی برای دفاع و تهدیدها، لازم است که با دید بلند مدت، همهی مسایل را ملاحظه کند و رفتار کلی نیروهای مسلح را طراحی نماید و در نظر بگیرد. در اینجا، همین ستاد فرماندهی کل قوا - و نه دستگاههای دیگر - است که باید چنین کاری را بکند. این ستاد را باید برای این مقصود که حتی از مقصود اولی هم مهمتر است، آماده کنیم. این، هدایت عمومی و کلی است.

سازمانهای مسلح - مثل بقیه‌ی سازمانها - غالباً در جهت اهداف سازمانی خود و اهداف نزدیک، فکر و حرکت و عمل می‌کنند. این شما هستید که بایستی حتی دیدهای آنها را هم دوربرد کنید و خودتان به بلند مدت نگاه کنید و طراحی نمایید و اینها را مرتباً هدایت کنید تا به آن سمتی که درآموزش و سازماندهی و طراحیهای عملی و در همه چیز دیگر برنامه‌ریزی شده است، حرکت کنند. طبعاً برای رسیدن به این دو هدف عمده، دستگاهی هم باید داشته باشید تا ببینید آیا این مصوبات در نیروهای مسلح درست اجرا می‌شود یا خیر. این هم هدف سومی به حساب می‌آید و باید ستاد را برای این معنا آماده کنید.

ستاد فرماندهی کل، یک چیز تکراری و موازی ستاد مشترک ارتش و ستاد سپاه پاسداران - چه قبل از آنها و چه بعد از آنها - نیست. همان‌طور که گفته شد، چیزی است که از لحاظ سلسله مراتب، برتر و فراتر از آن دو ستاد می‌باشد و از لحاظ مأموریت، دارای مأموریتی کاملاً متفاوت با آنهاست. البته آن دو ستاد هر کدام برای سازمان خودشان، با طبیعت خاصی که ستاد مشترک ارتش و ستاد سپاه دارند، موازی هستند. با این ترتیب، برادران باید ان شاءالله کار را برنامه‌ریزی کنند.

همان‌طور که آقای دکتر فیروزآبادی اشاره کردند، من به طور مرتب و منظم در جریان کارهای این ستاد قرار دارم و همان‌طور که اول هم اعلام کردم، همهی عناصری که در این ستاد حضور دارند، عناصر نظامی هستند. ما به یک معنا باید بگوییم غیرنظامی نداریم؛ یعنی افراد یا ارتشی یا سپاهی و یا بسیجی هستند. این که من اصرار ورزیدم فرم و لباس مشترک خاصی برای بسیجیها تنظیم بشود، به معنای این نیست که ما می‌خواهیم یک سازمان سومی درست کنیم. خیر، اشتباه نشود. بسیج، یک سازمان سوم نظامی در قبال سازمان سپاه و ارتش نیست. بسیج، بسیج است؛ بدین معنی که آحاد مردم، به وسیله‌ی فرماندهی کل نیروهای مسلح در هر عهده‌ی، برای کار نظامی بسیج می‌شوند. ما می‌خواهیم به این موضوع ارج بدهیم که یک غیرنظامی، کار معین شده‌ی را برای یک نظامی انجام می‌دهد؛ در حالی که او، نه ارتشی و نه سپاهی است. این را می‌خواهیم مورد توجه خاص قرار بدهیم؛ لذا گفتیم که یک لباس مشترک برای بسیجیها معین بشود.

البته این لباس، لباسی نیست که هرکس بسیجی است، باید حتماً این لباس را بپوشد؛ به خاطر این که مردم از کاسب و اداری و دانش‌آموز و دانشجو و حتی زن خانه‌دار، عضو بسیجند. لزومی ندارد که همهی اینها در همهی حالات از این لباس استفاده بکنند. مقصود این است که در موارد خاصی که طبق آیین‌نامه معین خواهد شد، این



لباس پوشیده بشود و شخص بسیجی را - چه در مراسم و چه در بعضی از مراکز دیگر - مشخص بکند.
امیدواریم که خداوند به همهی شما آقایان توفیق بدهد و کمک و هدایت کند تا بتوانید ان شاء الله نیروهای مسلح را به بهترین وجهی هدایت کنید.
والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ